

مقاله پژوهشی

مبانی و اصول هنر انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری

محمد شریفانی^۱، نسرين علوی نیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

چکیده: هنر یکی از مهمترین ابزارهای است که در هم‌آورد فرهنگی، تولید و بازتولید ارزش‌ها، مورد توجه کشورهای است و انقلاب اسلامی برای پایایی و پویایی، نیازمند صیانت از ارزش‌ها و هنجارهایی است که بنیان‌های فرهنگی - هنری انقلاب اسلامی را شکل داده است که ابزار هنر در تولید و بازتولید این ارزش‌ها و صیانت از فرهنگ انقلاب اسلامی نقش بسزایی دارد. در همین راستا، بیانات و اندیشه‌های مقام معظم رهبری به‌عنوان یک فقیه اسلام‌شناس طراز اول که درک درستی از هنر انقلابی دارد، از اهمیت بالایی در تحلیل و تبیین بهتر مبانی و اصول هنر انقلابی برخوردار است. بنابراین نوشتار پیش‌رو با کاربرد روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی (بیانات مقام معظم رهبری) به دنبال پاسخ به این پرسش است که مبانی و اصول هنر انقلابی از دیدگاه مقام معظم رهبری چه مشخصاتی دارد؟ نتایج پژوهش، حاکی از آن است که کسب رضایت خالق را می‌توان از موارد اولیه و مهم مبانی هنر انقلابی قلمداد کرد. از اصول دیگر هنر انقلابی می‌توان به ترویج و تقویت مفاهیم عالی انقلاب، ایجاد اعتماد به نفس، خلق مخاطب، جذب مخاطب بین‌المللی، همگامی با اهل فکر، آگاه‌سازی، دریافتن نیازها و عقلانیت اشاره کرد. آنچه می‌تواند هنر انقلابی را از سایر هنرها متمایز نماید اصول هنر انقلابی است. عقلانیت و استفاده حداکثری از قوه فکر و اندیشه از برجسته‌ترین اصول هنر انقلابی است. ارزش معنوی، مردمی بودن، تعهد، بصیرت‌افزایی، نمایاندن ارزش‌ها و عدم خودباختگی با دیدن زیبایی‌ها از دیگر اصول هنر انقلابی است.

واژگان اصلی: انقلاب، مقام معظم رهبری، هنر، هنر انقلابی.

^۱ دانشیار و هیئت علمی دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران، ایران.

sharifani40@yahoo.com

^۲ استاد حق التدریس دانشگاه آزاد اسلامی داراب، فارس، ایران. na.alavinia@yahoo.com

۱- مقدمه

هنر، مهمترین ابزاری است که در همآورد فرهنگی و بالاخص تولید و بازتولید ارزشها، به شدت مورد توجه دولت هاست. همانطور که دنیای غرب توسط هنر تبلیغات، بدنبال استیلای فرهنگی از طریق تحمیق و تخدیر مردم با ترویج لابلالی گری، بی دردی و در نهایت خشکاندن ریشه های ضرورت تحول و اندیشه انقلاب است. در اهمیت ابزار هنر همین بس که ماندگاری، نفوذ و گسترش انقلابها، تمدن ها و فرهنگ ها موکول به آن می شود. آیت الله خامنه ای در این رابطه چنین می فرماید: «ابزارهای هنری بی شک رساترین، بلیغ ترین و کاری ترین ابزار ابلاغ و تبلیغ پیام است. هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام های حق و باطل نیست.» (خامنه ای، گفتگو، ۲۷/ ۹/ ۱۳۶۵)

بخش های مهم و ویژه فرهنگ هر کشوری، هنر آن جامعه است. فرهنگی که در همآوردهای دو قرن اخیر محملی برای شکست ها و پیروزی ها بوده و از این جهت یکی از موضوعات مورد توجه و پسند نظریه پردازان قرار گرفته است. در چنین شرایطی وقتی انقلابی با صبغه و سبغه فرهنگی و دینی متولد می شود، عنصر فرهنگ و هنر بیش از پیش به چشم خواهد آمد و بستری برای نقش آفرینی فوق العاده واقع می گردد. «هنر برای هدف دقیقاً نقطه مقابل هنر برای هنر است. زمانی که می خواهیم از اهداف، سخن به میان بیاوریم ناگزیر از آنیم که به این تقابل هم اشاره ای داشته باشیم چرا که « دنیا از ابزار هنر، علیه انقلاب، به اشد وجه استفاده میکند؛ آن وقت اینجا چنانچه به هنرمندی گفته شود که، آقا، شما این فیلم را در خدمت انقلاب و در دفاع از انقلاب بساز، فوراً میگویند که، ما هنر را برای اهداف سیاسی نمیتوانیم به کار ببریم هنر برای هنر است.» (خامنه ای، بیانات، ۰۴/ ۰۹/ ۱۳۷۱)

«این در شرایط است که اساساً هنر در خدمت و برای هدف است و همه ذی شعوران عالم از آن در جهت اهداف شان بهره می برند، هنر باید در خدمت هدفی باشد. لذا میبینید که هر کدام از هنرمندان بزرگ عالم، هنرهای خودشان را در خدمت اهدافی قرار میدادند.» (خامنه ای، بیانات، ۲۹/ ۰۸/ ۱۳۷۰)

انقلاب اسلامی برای پایایی و پویایی، نیازمند صیانت از ارزشها و هنجارهایی است که بنیان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی را شکل داده و ابزار هنر در تولید و بازتولید ارزشهای انقلابی و صیانت از فرهنگ آن نقش بسزایی دارد. شناسایی مفاهیم عالی انقلاب و تلاش در راستای انتقال، ترویج و تحکیم این مفاهیم که ماهیت انقلاب را رقم می‌زند و انقلاب بدون آن بی معنا و میان تهی است، رسالت هنر انقلابی است. از این رو تربیت مردمی متدین و متشرف و آگاه به مبانی دین و برخوردار از معرفت دینی از جمله رسالت‌های هنر انقلابی است، هنری که اجازه رخنه در باورها و مقدسات مردم را نمی‌دهد و مانند سدّی محکم در برابر هرگونه تعرض نرم دشمن عمل می‌کند، اینگونه تلاش برای غلبه تدّین در جامعه و همه‌گیری آن آرمان هنر انقلابی قلمداد می‌شود. در همین راستا نظر به اینکه سیاست‌های کلی نظام بر اساس قانون اساسی و دیدگاه‌ها و تصمیمات رهبری تنظیم می‌شود این مقاله بر آن است که مبانی و اصول هنر انقلابی را از دیدگاه ایشان بررسی نماید. البته شایان ذکر است که فرمایشات ایشان در این زمینه بسیار زیاد است اما با توجه به حجم مقاله به اهم موارد پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم هنر

«کلمه هنر، بنا بر نظر مشهور اهل لغت اصالتاً اوستایی و پهلوی بوده و مرکب از هو به معنای خوب، نیک، زیبا، و رسا و نَر به معنای مرد است که مجموعاً به معنای نیک مرد یا انسانی با فضایل و خصائل پاک انسانی می‌باشد.» (بلخاری قهری، ۱۳۸۸: ۱۸). از معانی دیگر هنر می‌توان به کار برجسته، نمایان، فراست و زیرکی (معین، ۱۳۸۶: ۲۴۵) و پیشه و صنعت (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۸) اشاره کرد

«ادیبان و مصنفان فارسی‌گوی نظیر فردوسی لفظ هنر را به عام‌ترین معنای آن یعنی هم فرهنگ و هنر و هم معنای صنعت و حرفه به کار برده‌اند و این یک برداشت فرهنگی را برای ما به ارمغان می‌آورد: هنر و فن دو مفهوم مجزا نیستند بلکه هر دو بر یک معنا دلالت می‌کنند ساختن یک ظرف یا کوزه زیبا همانقدر هنر است که نقاشی یک تابلوی مینیاتور.» (نصر، ۱۳۸۹: ۸۰). «جامعیت مفهوم کلمه صنعت، موید دیگری بر وحدت هنر و زندگی است و این وحدت فرهنگ ایرانی را همچون هر فرهنگ سنتی اصیل دیگر در طول تاریخ ممتاز می‌سازد.» (ربیعی، ۱۳۹۰: ۴۸)

۳- هنر از دیدگاه اندیشمندان غرب

علاوه بر معنای واژگانی، هنر دارای یک چیستی یا تبیین ماهیت می‌باشد. از این رو شلینگ هنر را با نگاه فلسفی، این طور تبیین می‌کند هنر چیزی جز تجلی ایده سرمدی و متعالی در یک اثر هنری و واقعی نیست، لیکن نبوغ و استعداد هنرمندانه هنرمند در آفریدن یک اثر هنری کشف واسطه‌هایی نمادین است که بتوانند جهان زیرین را به جهان برین ارتباط دهند.

هنر از نگاه نهادگراها این گونه تعریف می‌شود: «هنر یعنی فرم معنا دار. فرم معنادار ذاتا قدرت برانگیختن حس زیبایی شناسی را دارد.» (واربرتن، ۱۳۸۷: ۱۸)

از دیدگاه زیباشناختی هنر را می‌توان این گونه دید «هنر عبارت است تجلی احساسی در قالب محسوس از دیدگاه کارکردگراها می‌توان این گونه گفت: هنر آن نوع سازندگی است که با زیبایی توأم باشد و غایت آن زیبایی و بیان زیبایی باشد. در ضمن باید اضافه کنیم که زیبایی یک صفت الهی است و اصولاً لازمه واقعیت و حقیقت و وجود، زیبایی است و خداوند همه چیز را زیبا آفرید.

هربرت رید هنر را اینگونه تصویر می‌نماید: «هنر، بیان هر آرمانی است که هنرمند توانسته باشد آنرا در صورت تجسمی تحقق بخشد، یا هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت بخش یا هنر مخابره انسان با انسان است.» (رید، ۱۳۹۳: ۳)

با توجه به تعاریف و دیدگاه‌های مختلف در کنار تنوع و تکثر آثار هنری بعضی هنر را واژه پیچیده‌ای نامیده‌اند: «واژه هنر نیز مثل بازی از مصادیق شباهت خانوادگی است در نتیجه جوهر واحد و مشترکی میان همه آثار هنری وجود ندارد و بنابراین نمی‌توان تعریفی ساده از هنر ارائه کرد. علت این پیچیدگی را میتوان در ماهیت و تاثیرات هنر یافت ویژگی بی‌قیدی و ماجراجویی هنر و تغییرات همیشگی و آفرینش‌های تازه است که باعث می‌شود تعیین مجموعه ویژگی‌های تعریف کننده برای هنر از نظر منطقی ناممکن باشد و همین طور اعمال محدودیتهای مفهومی می‌تواند تاثیرات منفی را در عرصه هنر ایجاد نماید زیرا که امکان هرگونه خلاقیت را از هنر سلب می‌کند.» (عمرانی، ۱۳۹۰: ۱۰).

۴- هنر از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

از رابطه هنر با انسان و راز خلقت او می‌توان منشا هنر را این گونه توصیف نمود: هنر نماد بی‌قراری‌های روح خدایی در انسان است. «نفخت فیه من روحی» (سوره حجر، آیه ۲۹). علامه جعفری هنر را «اساسی‌ترین ماده خام تمدنهای بشری معرفی می‌کند. ایشان در تفاوت هنر برای هنر یا هنر برای انسان به این نکته اشاره می‌کند که مطلوبیت و حقیقت هنر زمانی است که هنر برای حیات معقول انسان باشد که علاوه بر شگفتی و زیبایی، بتواند حقیقتی را در زندگی انسانها وارد کند در ادامه ایشان به هنر پیشرو اشاره می‌نماید و آن را ناجی جامعه می‌داند و این هنر توانایی رساندن انسان به جایی که باید باشد را دارد؛ زیرا که هنر پیشرو تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقایق ناب از میان آنها و قرار دادن آنها در مجرای حیات معقول با شکل جالب و گیرنده می‌باشد.» (جعفری، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

شهید مطهری در بحث هنر، منشا زیبایی را خدا می‌داند و می‌فرماید: «هنر محصول و منعکس‌کننده درونیات و روح هنرمند است که اگر هنرمند درونی پاک و مطهر داشته باشد هنر او نیز پاک و مطهر خواهد بود.» (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

آقای میرباقری در تعریف هنر می‌گوید: «حقیقت هنر عبارت است از کیفیت پرستش معبود واقعی و فرم عشق ورزی با او که می‌تواند در چهره پرستش فوق ملکوتی انبیا و اولیا علیهم السلام و یا در قالب پرستش و گرایش‌های مادون حیوانی شیاطین و طواغیت ظاهر گردد. هنر امری از مقوله احساس، گرایش و پدیده‌ای عام است که در تمامی مراتب زندگی فردی و اجتماعی ابنای بشر متجلی و آشکار می‌گردد.» (میرباقری، ۱۳۹۴: ۱۰).

هنر در جامعه می‌تواند ابزاری برای تصرف احساسات انسان باشد و چگونگی و میزان این تصرف را می‌توان این طور گفت: هنرمند در تعقل خودش احساسی دارد که با هنر بر سر آن احساس مفاهمه می‌کند. حال ممکن است این هنر شعر و رمان و نقاشی باشد هر چقدر این احساس از سنجش و محاسبه دقیق‌تری برخوردار باشد و زبان سنجیده‌تری داشته باشد قدرت انتقال احساس بیشتر خواهد بود. بنابراین هنر، آینه عقلانیت جامعه است. ریشه همه مقدسات بشر به اله بر می‌گردد. تقدس هنر نیز به اله

برمی‌گردد. اگر هنری به حق و باطل نپردازد و هنرمند اله و معبود نداشته باشد این هنر دیگر مقدس نمی‌باشد.

از دید شهید آوینی «هنر زمانی واقعی و تاثیر گذار است که هنرمند با اثر هنری یکی شود و هنرش از درون هنرمند بجوشد.» (آوینی، ۱۳۹۰: ۴۳) او بیان می‌کند: «هنر از حیث محتوا، نوعی معرفت است و از این قرار، عین حکمت و معرفت. پس چگونه می‌توان مظاهر مختلف حیات انسان را علم و حکمت و هنر و فلسفه و دین را آنچنان که امروز معمول است، از یکدیگر جدا کرد؟ هنر از لحاظ مضمون و محتوا عین تفکر و حکمت و عرفان است و تنها در نحوه بیان و تجلی از آنان متمایز است. تعریف معرفت گونه از هنر، همان ترجمان هنر متعالی از دیدگاه شهید آوینی است. وی در مقابل این هنر که همان اسلامی است هنر غربی را مورد چالش قرار می‌دهد. از دیدگاه آوینی، هنر غربی شیدایی حقیقت نیست؛ بلکه هنر غربی حدیث نفس است، نه حدیث شیدایی حق. هنر غرب بیان خودپرستی انسان امروز است؛ هنری شیطانی است؛ حال آن که هنر حقیقی حدیث شیدایی حقیقت است.» (آوینی، ۱۳۸۴: ۱۱)

امام خمینی (ره) نگاه غایت مدارانه و ارزشی به هنر دارد و عنصر زمان و مکان و مقتضیات و مصالح را در آن بسیار دخیل می‌داند و می‌فرماید: «هنر در مدرسه عشق نشان دادن نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و تجسم و انصاف تلخ کامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است.» (خمینی، ۱۳۶۷/۶/۳۰) نگاه محتوایی در بحث هنر در نظر امام بسیار مهم است. هر چقدر که توانایی هنرمند در زیبا توصیف کردن و زیبا رسم کردن و زیبا نشان دادن اندیشه خود باشد اما در بطن این، حقیقت مبارزه علیه ظلم مشاهده نشود این هنر به معنای واقعی در نظر امام نیست.

هنر مفهومی منتج و محصول انسان است و نه معنایی مقدم بر او. منشأ آثار هنری که ابتدا در خیال هنرمند نقش می‌بندد، می‌تواند مثالی و ماورایی باشد اما به هر حال محصول دست، فکر و خیال هنرمند است از این رو هنر در واقع تجلی ادراک و الهامات انسان است. هنر اگر چه پدیده ای انسانی است لکن در قلمرو الهی است و خروج از این قلمرو ورود به قلمرو شیطان است. «فالهמה فجورها و تقویها قد افلح من زکیها و

قدخاب من دسیها» (سوره شمس، آیات ۸ - ۱۰). بنابراین نوع جهان بینی هنرمند، جامعه ای که در آن زندگی می‌کند و معروفات و منکراتی که بدان باور دارد، همه در خلاقیت هنری و آفرینندگی ذهنی او تأثیر دارند.

«زبان هنر زبان تفاهم بین المللی و بین نسلی است؛ هنر زبان ارتباط جمعی و موجد تفاهم است. درون مایه‌های انسان از طریق تخیل تکلم می‌کند.» (میرباقری، ۱۳۹۳: ۱۵)

«انقلاب اسلامی می‌تواند پیام خود را به وسیله هنر به همه ملل و نسلها انتقال دهد. رنسانس هم که آخرین انقلاب غرب تا قبل از انقلاب اسلامی بود، به وسیله هنر، فرهنگ خود را صادر کرد و توانست مشروعیت و نفوذ جهانی کسب کند. از این رو انقلاب اسلامی با تحول و ابداع هنر خاص خود می‌تواند به این جایگاه دست پیدا نماید.» (کرباسی باف، مهدی، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

۵- انقلاب در لغت

«انقلاب» بر وزن انفعال مصدر عربی است که از فعل «قلب» مشتق شده است و به معنای «تغییر و دگرگونی و زیر و رو شدن» است. فلاسفه این واژه را به معنای «طغیان علیه وضع موجود به منظور برقراری وضع مطلوب» دانسته اند. «واژه انقلاب در غرب ابتدا از اصطلاحات اختر شناسی بود که به تدریج در علوم طبیعی اهمیت یافته و سپس برای نخستین بار در سده هفدهم به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی بکار گرفته شد.» (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

شهید مطهری می‌گوید: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظم مطلوب». از این رو ایشان ریشه انقلاب را در دو چیز میداند: «نارضایتی و خشم از وضع موجود و آرمان یک وضع مطلوب» (مطهری، ۱۳۶۲، ۳۰). اساسا انقلاب یعنی «دگرگونی بنیادی افکار و رفتار فرد و جامعه در جهت نیل به کمال مطلوب که به صورت سریع و نوعا توأم با خشونت و خونریزی انجام می‌شود».

انقلاب اسلامی نیز عبارت است از «دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت، براساس

آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهر آمیز توده های مردم» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۱: ۲۲)

نقش اسلام در انقلاب اسلامی می تواند هم به عنوان ماهیت و هم به عنوان ابزار شناخته شود، و البته این دو معنا می توانند در تعریف و منظور از انقلاب اسلامی گنجانده شوند.

۶- انقلاب اسلامی در نظر اندیشمندان اسلامی

آیت الله سید محمد باقر صدر در کتاب سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، «منشا و مدار حرکت تاریخی را محتوای درونی انسان می داند این تئوری محتوای باطنی آدمی را مرکب از دو گوهر اندیشه و اراده می داند که در ساحت اجتماع و حرکت تاریخ تاثیرگذار است» (صدر، ۱۳۹۸: ۲۶). این تحلیل را شهید در چگونگی شکل گیری انقلاب اسلامی بیان می فرماید.

از نظر دکتر شریعتی «حرکت انقلابی یکی از وجهه ها و روش های اهل بیت (ع) برای مبارزه با ظلم و جور و نظام های ناعادلانه می باشد که روحیه شهادت طلبی و ویژگی و ماهیت برجسته آن است. ثمره این روحیه ایجاد شور انقلابی می باشد». (ملکوتیان، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

شهید مطهری انقلاب اسلامی را متأثر از فرهنگ شیعه که فرهنگی زنده، حرکتزا و انقلاب آفرین است می داند و سعی دارد از نهضت عاشورا و قیام خونین امام حسین (ع) تفسیری متناسب با شرایط سیاسی زمان در قالب انقلاب اسلامی ارائه دهد. همچنین در بیان فلسفه عزاداری و مراسم اربعین از این دو حرکت علاوه بر تحریک احساسات به حرکت سیاسی و اجتماعی و انقلابی تفسیر می کند». (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۷۲) ایشان از منظر فرهنگی و معنوی انقلاب را دارای ماهیتی معنوی از نوع واقعی و حقیقی می دانست و معتقد بود از جمله خصوصیات انقلاب ما این است که چون بر پایه ایدئولوژی اسلامی قرار گرفته، به معنوی واقعی متکی است و انقلاب اسلامی را نتیجه خدا آگاهی یا خودآگاهی الهی می دانست. ایشان بیان می کند که تبدیل شدن دین و فرهنگ مردمی به سلاح ایدئولوژیک و سلاح عرضه نبرد، کار مردم بود و بدین وسیله توانستند به

اهداف خود دست یابند. گواه عملی مردم بر حقانیت راه با شهادت صورت می‌گرفت و این ایمان و حقانیت، پیش برنده راه و تثبیت‌کننده هدف بود.

مرحوم حائری آرمان انقلاب اسلامی را رشد نامحدود انسان می‌داند: «آرمان انقلاب-ها یا آزادی است یا عدالت و جامعه بی‌طبقه اسلام آرمان بالاتر از تکامل دارد که هدی و رشد است.» (حائری، ۱۳۸۲: ۱۴)

از نظر شهید آوینی «انقلاب اسلامی به مثابه یک تمدن؛ یک حادثه سیاسی می‌باشد که از طرفی با شبه روشنفکران لیبرال و تمنای تجدد خواهانه مواجهه می‌یابد و از سوی دیگر با متحجران انقلابی و متحجران مقدس مآب غیرانقلابی هم باید مواجه شود.» (آوینی، ۱۳۹۴: ۷۳) وی حیات تفکر اسلامی را در مبارزه می‌داند و اذعان می‌دارد که در صورت ننجنگیدن در محاصره تمدن جدید هضم و نابود خواهیم شد. شهید آوینی انقلاب اسلامی را با هیچ یک از انقلاب‌های دنیا قابل قیاس نمی‌داند زیرا که علل موجوده آن را متفاوت می‌شمارد و ماهیت آن را این‌گونه توصیف می‌نماید: «انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است، در جهانی که به صورت دهکده جهانی با فرهنگ واحد درآمده است.» (آوینی، ۱۳۹۰: ۹۹)

۷- انقلاب اسلامی از نظر بنیانگذار انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی بر مبنای اندیشه و قیام امام خمینی (ره) پا گرفت از این رو بازخوانی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی به فهم آن کمک خواهد نمود.

از آنجایی که انقلاب اسلامی به عنوان یک موضع در حال جریان و تکامل می‌باشد تحلیل جامع و کامل آن غیر مقدور می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از تحولات سرنوشت ساز تاریخ، اهمیت بسیاری در عرصه سیاست و تاریخ دارد زیرا که این انقلاب مسیر آینده تاریخ را عوض کرد که می‌توان از بازگشت انسان به عصر ایمان که همان حیات باطنی و معنوی است نام برد. انقلاب اسلامی ایران زاینده انقلاب پاک و مطهری است که به نام خدا آغاز شد و در راه خدا ادامه یافت و اراده جمعی مطلق مردم ایران را متبلور نمود و به خواست و مشیت الهی قدرت را به دست گرفت و هدف آن ایجاد حیات طیبه است. انقلاب اسلامی که از جنس معنویت است با دو ممیزه اسلامی

بودن و مردمی بودن از سایر انقلاب‌ها و جنبش‌ها جدا می‌شود و با دو شعار نفی استبداد و مبارزه با استعمار حیات خود را آغاز نمود و به معنای دقیق کلمه انقلابی بود.

امام خمینی (ره) ریشه و ماهیت انقلاب اسلامی را انقلاب انفسی و درونی در انسانها می‌دانست و می‌فرمود: «تا این تغییر و تحول انفسی حاصل نشود انقلاب بیرونی یا دگرگونی نظام طاغوت و جابجایی قدرت صورت نخواهد پذیرفت». (خمینی، ۱۳۸۲: ج ۱۹، ۲۶۹) از این رو رسیدن به هدف غایی و کمال انقلاب اسلامی منوط به انسان انقلاب اسلامی است و این انقلاب انفسی، «تقدیر آینده بشریت و جهان» را رقم خواهد زد. شکل‌گیری انقلاب اسلامی به محوریت امام خمینی (ره) به تاسی از امام حسین (ع) را می‌توان در موارد مبارزه با حکومت ظلم، امر به معروف و نهی از منکر، تحریم تقیه و شهادت طلبی خلاصه نمود. امام خمینی (ره) در توصیف گستره و مرز انقلاب اسلامی این طور می‌فرماید: «مسئولین ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است» (خمینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۰۸)

امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را مبتنی بر درک اسلام ناب می‌داند. این تلاش معطوف به ارائه اسلام ناب، در برابر اسلام تجدد و اسلام تحجر رایج بوده و بر بعد اجتماعی دین و کارآمدی اجتماعی آن تأکید دارد. فرآیند مداوم ارائه «اسلام انقلابی» و درگیری با اسلام‌های متحجر و متجدد منجر به شکل‌گیری فهم جدیدی از اسلام و متعاقب آن یک انقلاب انسانی می‌شود. بر اثر این انقلاب انسانی، «انسان انقلابی» متولد می‌شود و با کنش‌های متمایز او انقلاب اسلامی تکوین می‌یابد. (نامخواه، ۱۳۹۲: ۱۸) از مجموعه مفاهیم مطرح شده توسط رهبران در چارچوب اسلام ناب و انقلاب اسلامی می‌توان گفت منظومه آرمان‌های انقلاب اسلامی حول سه گانه هویتی آن، عدالت خواهی، آزادی خواهی و معنویت خواهی می‌باشد.

۸- انقلاب اسلامی از دیدگاه متفکران غربی

انقلاب اسلامی از دیدگاه غرب و متفکران غربی دارای وجهه‌های متفاوتی است از جمله برداشت روزنامه نگاران: «وقتی جنبشی را انقلابی می‌خوانند، برداشت مردم در غرب و از جمله خود من، نوعی پیشرفت و ترقی است، یعنی دگرگونی در راستای

پیشرفت و ترقی. همه این‌ها با پدیده مذهبی زیر سؤال می‌رود.» (فوکو، ۱۳۹۲: ۵۵) اما فوکو در جواب این نگاه، که از افیون توده بودن انگاشتن دین، توسط مارکس، گرفته شده است، می‌گوید: «اسلام در آن سال ۱۹۷۸ افیون مردم نبوده است، دقیقاً از آن‌رو که روح یک جهان بی‌روح بوده است» (همان: ۶۱) که در برداشت دیگری این‌طور نمایان می‌شود خط بطلانی بر این نظریه رایج می‌کشد که نوسازی به دین زدایی، و گسترش شهرنشینی به تقویت طبقات جدید و تضعیف طبقات سنتی می‌انجامد.» (فوکو، ۱۳۹۲: ۴۱) نگاه فوکو به انقلاب اسلامی شکل‌گیری گفتمان هرمونیک است که همه مردم را برای دستیابی به خواست مشترک بسیج نمود و نکته برجسته در ماهیت انقلاب اسلامی را معنویت سیاسی آن می‌دانست و این معنویت در دوران مدرنیته و پسامدرنیته دور از انتظار می‌دانست از این‌رو اعتراف می‌کند که غربی‌ها صلاحیت توصیه به ایرانی‌ها را درباره انقلاب اسلامی ندارند. آبراهامیان انقلاب اسلامی را این‌گونه معرفی می‌کند: «در واقع در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده بی‌همتایی است؛ زیرا نه یک گروه اجتماعی جدید مجهز به احزاب سیاسی و ایدئولوژی‌های غیر دینی بلکه روحانیون سنتی مجهز به منبر و مدعی حق الهی در نظارت بر عملکرد همه مقامات غیرروحانی، حتی عالی‌ترین نهاد متشکل از نمایندگان منتخب ملت را به قدرت رساند.» (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۶۵۴)

۹- انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

انقلاب اسلامی واژه‌ای پرمعنا و دارای ابعاد گوناگونی است. در نگاه پرمعق آیت‌الله خامنه‌ای «انقلاب اسلامی، یعنی زنده کردن دوباره اسلام.» ایشان انقلاب اسلامی را مانند اسلام انقلابی برای تغییر ارزش‌ها و معیارها بیان نمودند. «انقلاب اسلامی یعنی طغیان بر ارزش‌های جاهلی و نظام‌های طاغوتی و فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر با هدف احیا و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه به صورت سریع در زمینه بروز، ظهور و نمود و غالباً توأم با خشونت و خونریزی به دلیل مقاومت نظام حاکم، در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی حیات طیبه که تکوین و ریشه‌گیری آن امری طولانی و مرحله‌ای است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲)

برای تحلیل همه جانبه و جامع از منظر ایشان لازم است به ریشه ها ماهیت و چالشهای انقلاب اسلامی پرداخته شود.

۱۰- مبانی هنر انقلابی

مبانی هنر انقلابی از تکالیف و رسالت هایی است که مانند چراغ راهی از ورافتادن هنرمند در بیراهه ها می کاهد و متر و ترازوی برای سنجش حرکت در دست هنرمند می سازد، تکالیفی که ترویج پیام ها و مفاهیم انقلاب را با ارزش های ملی در هم می آمیزد و از میانش استقلال به ارمغان می آورد. غلبه تدبیر در جامعه با پر کردن خلأها و کسب اعتماد به نفس با همگامی و همراهی اهل فکر و اندیشه از جمله رسالت هایی است که در مقصدی به نام کسب رضایت خدا کامل می شود.

۱۰-۱- کسب رضایت خالق

یکی از مبانی هنر انقلابی کسب رضایت خالق است که می توان گفت می تواند از موارد اولیه و مهم قلمداد شود به گونه ای که تمامی موارد دیگر در قالبی به نام کسب رضایت خدا قرار می گیرد، چرا که در مکتب توحید محور، رسالت اصلی انسان، کسب رضایت اوست و این مهم زمانی حاصل خواهد شد که انسان تمام سرمایه وجودی خود و اماناتی که در اختیار دارد در این راه و مسیر به کار بندد و برای رسیدن به رضایت خدا تلاش نماید. مقام معظم رهبری می فرماید: «یکی از این امانت ها همان هنر است که وقتی انقلابی می شود چاره ای جز قرار گرفتن در این قالب ندارد» استفاده کنید از این، در راهی که خدای متعال می پسندد و راضی است. اینجور نباشد که این ارزش والا را خدای متعال به شما داده، شما این را در راه خدا هیچ مصرف نکنید.» (خامنه ای، ۱۳۸۹/۰۶/۰۳)

۱۰-۲- ترویج و تقویت مفاهیم عالی انقلاب

یکی دیگر از مبانی هنر انقلابی ترویج و تقویت مفاهیم عالی انقلاب است. «شناسایی مفاهیم عالی انقلاب و تلاش در راستای انتقال، ترویج و تحکیم این مفاهیم که ماهیت انقلاب را رقم می زند و انقلاب بدون آن بی معنا و میان تهی است، رسالت هنر انقلابی است. عدالت، معنویت و تکریم حقیقی انسان از جمله مفاهیم و پیام های انقلاب است.» (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۳/۲۳) تقویت ارزش های ملی نیز جزء دیگر این مفاهیم قلمداد

می شود که باید تقویت شود «وقتی ارزش ملی می گوئیم، نباید فوراً ذهن به سمت چهارشنبه سوری برود؛ ارزش ملی یعنی احساس استقلال یک ملت؛ استقلال فرهنگی.» (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۳/۲۳).

حرکت در مسیر تربیت و تقویت فضایل اخلاقی و انسانی، از لوازم هنر انقلابی است از این رو تربیت مردمی متدین و متشرع و آگاه به مبانی دین و برخوردار از معرفت دینی از جمله رسالت های هنر انقلابی است، «هنری که اجازه رخنه در باورها و مقدسات مردم را نمی دهد و مانند سدی محکم در برابر هرگونه تعرض نرم دشمن عمل می کند، اینگونه تلاش برای غلبه تدین در جامعه و همه گیری آن آرمان هنر انقلابی قلمداد می شود.» (خامنه ای، ۱۳۷۸/۰۹/۲۳)

۱۰-۳- ایجاد اعتماد به نفس

«ایجاد اعتماد به نفس یکی دیگر از مبانی هنر انقلابی است. بیان فرصت ها و تهدیدها برای مردم و بیرون کشیدن دشمنی ها و دوستی ها از میان آن و شناساندن به مردم از دیگر وظایف هنر انقلابی است مسیری که به اعتماد به نفس در جامعه و آحاد مردم منتهی می شود.» (خامنه ای، ۱۳۹۶/۱۰/۰۶) و «سطح دید و ذوق و تامل مردم را بالا می رود.» (خامنه ای، ۱۳۹۰/۰۳/۲۵) این مهم انجام نخواهد شد مگر با یک جست هنری در هنر انقلاب و در این بخش یعنی بخش داستان و خاطره و این چیزها باید دنبال یک جست نو باشیم. «تربیت نیروی انسانی و تزریق آن به بدنه هنر، نیز از این جمله است. نیروی انسانی که مفاهیم انقلابی جزء ایمانش به حساب آید و آن را تمام و کمال قبول داشته باشد.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۰۹/۰۴) اساساً «انقلاب وقتی میتواند خودش را در قالب هنر بیاورد، که هنرمند خودی داشته باشد و خودش هنرمندش را پرورش بدهد.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵)

۱۰-۴- خلق مخاطب

یکی دیگر از مبانی هنر انقلابی خلق مخاطب است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «مخاطب خودتان را خلق کنید» (خامنه ای، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲) این جمله عبارتی کوتاه است که در میانش رسالتی بزرگ نهفته است.

ایجاد استقلال هنری و عدم تقلید در کارها، لازمه این عبارت کوتاه است: جایی که خلق ذائقه در مخاطب بر اساس فکر، ایمان و عقیده و نیز عدم سایش در جبهه خودی را با خود به همراه می آورد. البته این به این معنا نیست که فرض در هنر انقلابی، خودی بودن مخاطبان است، بلکه مخاطبان این هنر همه بشریتند با این تفاوت که برای جذب آنها از هر ابزاری استفاده نخواهد شد «بنده بیایم از همین یک ریالی که داریم، در مقابل میلیونها تومانی که دیگران دارند، بد استفاده کنم؛ برای اینکه مبدا آن دیگران بدشان بیاید، یا خوششان نیاید؟ این به هیچ وجه عاقلانه نیست.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷).

۱۰-۵- جذب مخاطب بین المللی

از مبانی دیگر هنر انقلابی، جذب مخاطب بین المللی است. انعکاس بین المللی تولیدات هنری و خلق مخاطب جهانی نیز از جمله ماموریت ها و اهداف هنر انقلابی است.

این مسیر با ترجمه آثار و دور زدن جشنواره های بین المللی که سیاست شان دیده نشدن آثار انقلابی است میسر خواهد بود چرا که «بالاخره مستمع به این جشنوارهها اختصاص ندارد و میتوان مستمعینی، طالبانی، خوانندگانی برای کتابها، بینندگان برای فیلمهای دفاع مقدس پیدا کرد؛ در صورتی که برای کار و اثر ترجمه‌ی درست و خوبی انجام بگیرد که به نظر من یکی از عرصه های کار این است.» «جز نمودن آثار، مشخص و بارز نمودن تهیه کنندگی آن در ایران اسلامی می‌تواند در جهت جذب مخاطب بین المللی و تبلیغ و ترویج فرهنگ ایران اسلامی از این کانال موثر باشد.» (خامنه ای، ۱۳۷۳/۱۲/۲۷).

۱۰-۶- کمی سازی تولیدات

یکی دیگر از مبانی هنر انقلابی کمی سازی تولیدات است. «افزایش تولیدات هنری و انبوه سازی آن، در هنر انقلابی مورد توقع است. جایی که از اقدامات ویتروینی و نمایشی عبور و با محتوای سازنده، آن را قوام و فشار تبلیغاتی دشمن به تناسب کاسته می شود.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۰۶/۰۸) تولیداتی که «هم باید ناظر باشد به خشتی کردن کار دشمن در داخل، هم باید ناظر باشد به ضربه زدن به دشمن در فضای عمومی» (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱) «افزایش مایه هنری و غلیظ کردن آن در طول فرآیند تولید از اهداف دیگر

هنر انقلابی است، مایه هنری که بیننده را خاضع و کسی را که مدعی است را قانع نماید تا اینگونه اندیشه انقلاب اسلامی را در دنیا تقویت و گسترش نماید.» (خامنه ای، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱).

۱۰-۷- پر کردن خلأ

اگر از اثرگذاری بر روی مخاطب بگذریم که این مبنای تمامی هنرها من جمله هنر انقلابی است، پر کردن خلأ در لحظه، از اولین ها و شاید مهمترین رسالت هنر انقلابی باشد. خلأ ایی که یک روز در کار و اقدام برای یک قشر خاص در جامعه نمایان می شود «شما که در کار هنری و آفرینش هنری خودتان، آن کودک را مخاطب قرار میدهید، بدانید که الان درست روی نقطه اصلی و اساسی حرکت می کنید.» و «روز دیگر در پاسخگویی به شبهات پرتاب شده در میان مردم رخ می نماید، جایی که با وجود ابهام آفرینی های زنجیره ایی توسط بیگانگان، کار و خلأ، به نظر همیشگی است دشمن به طور دائم دارد شبهه ایجاد میکند؛ شبهات متراکم پشت سرهم! باید این گرهها را باز کرد، این شبهه ها را باید برطرف کرد، ذهنها را بایستی فارغ کرد، آسوده کرد.» (خامنه ای، ۱۳۹۶/۱۰/۰۶) «تیپ سازی اجتماعی نیز در چنین فضایی قابل ارزیابی است.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۰/۰۱).

۱۰-۸- همگامی با اهل فکر

یکی دیگر از مبانی هنر انقلابی همگامی با اهل فکر است. به بیان دیگر درگیر کردن فکر و تعقل با هنر، دیگر رسالت هنر انقلابی است، کما اینکه اصلا هنری که با فکر و تعقل همراه و همقدم نباشد نمی تواند در نقش انقلابی ظاهر شود. بر این اساس چه در اثرگذاری و چه در شناسایی خلأها، همگام شدن با اهل فکر لازم و ضروری است «اصحاب فکر، مردمانی که دارای قدرت تفکر هستند و مسائل را میفهمند، همراه با اصحاب هنر، کسانی که هنر ارائه دارند، هنر تبلیغ دارند از نقاش و شاعر و فیلمساز و نویسندگان و امثال اینها باید همه با هم دست به دست هم بدهند، محصول کار چیزی از آب دریابید که بر روی ذهن مخاطبین اثر بکند.» (خامنه ای، ۱۳۹۴/۰۷/۱۳).

۱۰-۹- آگاه سازی

از مبانی دیگر هنر انقلابی آگاهی سازی است. سازندگی مردم و جامعه از جمله رسالت هاست که برای دست یابی به این آن می بایست اهدافی را ترسیم و برای رسیدن به آن تلاش نمود از جمله این اهداف رشد و ارتقاء معرفت و رفتار دینی آگاهانه و مخلصانه، مستحکم و ریشه دار نمودن شناخت. «باور به ارزشها و بنیادهای فکری انقلاب و نظام اسلامی، مصونیت دادن به ذهن جامعه از تأثیر مخرب تهاجم ارزشی دشمن، باور به کارآمدی نظام، ایجاد همگرایی عمومی و فضای همکاری و محبت و وحدت در درون کشور و میان مردم، آگاهسازی نسبت به مقولههای حساس؛ مثل علم قلمداد می شود.» (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

۱۰-۱۰- دریافتن نیازها

شناسایی نیازها و ضرورت های جامعه و تلاش برای برطرف کردن آن از جمله اهداف و وظایف هنر انقلابی است. «نیازهایی که گاه در نشاندن لبخند بر لبان مردم تجلی می یابد و گاه در ملی نمودن اخلاقیات» (خامنه ای، ۱۳۸۷/۰۶/۲۵) از همه مهمتر نیازهای جوانان کشور است که باید شناسایی و در راه رفع آن قدم برداشت، نیازهایی که مشتمل بر «استحکام بنیادهای اعتقادی و دینی، آشنایی با مبانی معرفتی اسلام و قرآن، شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت خود بویژه در دورانهای نزدیک به امروز، شناخت درست امام خمینی قلهی بلند تاریخ معاصر و اندیشههای سیاسی تابناک و پایههای حرکت عظیم انقلابی او، احساس عزت و سربلندی به خاطر درسی که ایرانیان در دوران پیروزی انقلاب و دفاع مقدس به جهان دادند، فراگرفتن خصلت هایی که میتواند نسل کنونی را به اعتلاء و عظمت برساند مانند: دینداری و دانش پژوهی، وجدان کار و انضباط، شجاعت و پاکدامنی و جوانمردی، آگاهی سیاسی و خلوص انقلابی، امانت و محبت و برادری، و استقلال و آزادمنشی.» (خامنه ای، ۱۳۷۸/۰۳/۰۵)

۱۱- اصول هنر انقلابی

آنچه می تواند هنر انقلابی را از سایر هنرها متمایز نماید و در یک نگاه سطحی نه عمقی باعث شناخت آن شود ویژگی های هنر انقلابی است. هنری که وقتی به انقلاب می رسد در تمامی ویژگی های معمولش به توان می رسد و مضاعف می شود.

۱۱-۱- عقلانیت

پی گرفتن عقلانیت و استفاده حداکثری از قوه فکر و اندیشه از برجسته ترین اصول هنر انقلابی است. «عقلانیتی که با شناسایی اصالت انسان ها، تکیه بر توان و ظرفیت داخلی و توکل بر خدا بوجود می آید. عقلانیتی که در انقلابی گری تجلی می یابد و روحیه؛ ذهن و عمل انسان را انقلابی می نماید.» (خامنه ای، ۱۳۹۶/۰۳/۴) استکبارستیزی از جمله شاخصه های اندیشه انقلابی است، چرا که مبارزه علیه ظلم و کفر عاملی برای انقلابی شدن قلمداد می شود «این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم.» (خامنه ای، ۱۳۹۴/۱۱/۲۰) بنابراین لازمه تعهد به اندیشه های قرانی و آموزه های انقلابی، استکبار ستیزی است. وقتی فردی استکبارستیز شد خود به خود در جرگه انقلابی ها قرار می گیرد و توليداتش در عرصه هنر، انقلابی لحاظ می شود.

۱۱-۲- ارزش معنوی

«ارزش معنوی یکی دیگر از اصول هنر انقلابی است. در هنر انقلابی خلق ثروت ملاک فعالیت نیست هرچند از آن گریزان هم نخواهد بود اما هدف گذاری ها به صورت مطلق در هنر انقلابی به خلق ثروت نمی انجامد. از این رو پرداختن به هنر حتی اگر ما به ازای مادی نداشته باشد هم در هنر انقلابی دارای ارزش است چرا که سرمایه های معنوی مثل هنر در مکتب توحید مدار به خودی خود ارزشمندند حتی اگر مشتری، برایش وجود نداشته باشد. بنابراین جوشش چشمه های هنر در هنر انقلابی متوقف بر خلق ثروت نیست چرا که اساساً در این عرصه، هنر با پول مبادله و سنجیده نمی شود.» (خامنه ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴)

۱۱-۳- مردمی بودن

مردمی بودن و با مردم همراه شدن اصول دیگر هنر انقلابی است. اساساً هنر تا مادامی که مورد اقبال قرار گیرد، می تواند کارکرد هنری خود را به منصفه ظهور برساند و مگر می شود هنری، پسوند انقلاب را با خود یدک بکشد و از مردم جدا و با آن بیگانه باشد. بدین جهت هنر انقلابی با مردم و همراه مردم است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «ای نویسنده! فیلمساز! نمایشنامه نویس! تو اگر واقعاً می خواهی برای

این انقلاب وبا مردم باشی، ایدئولوژی این مردم را بفهم وبا این ایدئولوژی حرکت کن وشاعر مردمی وهنرمند مردمی باش .اما اینکه تو بخواهی در برج عاج خودت بنشیني وهمان ذهنیات قدیمی را مطرح کنی، از مردم جدا می مانی ومنزوی می شوی، و چون این حکومت، حکومتی مردمی ست وقتی از مردم جدا شدی از همه جا منزوی وییگانه خواهی شد.» (خامنه ای، گفتگو، ۱۳۶۰/۱۱/۲۶).

۱۱-۴-تعهد

تعهد از بارزترین اصول هنر انقلابی است .تعهدی که بدون احساس شور و عشق و مسئولیت به دست نمی آید و این مسئولیت در خدمت دین و انقلاب و اخلاق و معرفت معنا می یابد. «دخالت دادن حداکثری ایدئولوژی در ساخت هنر تعهد دیگری است که تمام قالب های هنری را در بر می گیرد و خود نشانی از هنر انقلابی می گردد.» (خامنه ای، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰).

از آنجایی که انقلاب اسلامی، انقلابی، فکری و اعتقادی است و ابتدا انقلاب در افکار، اعتقادات و اندیشه ها رخ داد و سپس به ساحات زندگی اجتماعی افراد کشیده شد، آنچه بعد از انقلاب توقع می رود، ورود و پیاده سازی همان اندیشه و اعتقادات در شئون مختلف اجتماع انقلابی است .

از این رو هنر انقلابی، متعهد به مجهز شدن به سلاح فکر و اندیشه انقلابی است. اندیشه ایی که در سرتاسر قالب هنری به کار رفته و کاملاً مشهود است «یک وقت شما معماری را ببینید که اندیشه ای دارد؛ یک وقت یک معمار از لحاظ اندیشه، لُخت و بی- هویت است و متکی به فکری نیست .اینها اگر بخواهند بنایی را ایجاد کنند، دو گونه طراح می کنند .اگر ساخت یک شهر را به دست دو نفر آدم اینطوری بدهند، یک نیمه آن با نیمه دیگر بهکلی متفاوت خواهد بود .به هرحال این تعهد، لازم است.» (خامنه ای، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱)

۱۱-۵-بصیرت افزایی

آموزندگی در هنر انقلابی یک اصل محسوب می شود .آموزندگی نه به معنای ابتدایی آن؛ بر قراری کلاس درس بلکه به معنای عمیقش یعنی کیفیت دهنده و پرورش

دهنده روح و فکر مخاطب خودش و جهت دهنده به تلاش و زندگی او در هنر انقلابی مد نظر قرار می گیرد.

«بر این اساس از نشانه های تولیدات هنر انقلابی رشد مخاطب و فرار دادن او در مسیر تحقق سبک زندگی انقلابی است و این مهم محقق نمی شود مگر آنکه قالب ها به تناسب این ماموریت والا، کیفیت لازم را پیدا نمایند.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷) «باید توجه دادن به خدا، مایه اصلی کار قرار گیرد.» (خامنه ای، ۱۳۸۰/۰۸/۰۱)

مسیر آموزندگی به بصیرت افزایی ختم می شود. از این رو بصیرت افزایی نیز جزء دیگری از ویژگی های هنر انقلابی محسوب می شود.

«وقتی هنر در مسیر گره گشایی، باز کردن حقیقت و شکوفایی اذهان حرکت کند در واقع در امتداد انقلاب حرکت و جریان ادامه دار انقلاب را همراهی کرده است.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷) در چنین بستری است که انتقاد هم دارای چارچوب و قالب می شود. انتقاد، حرکت در دایره واژگانی دشمن، نق زدن، نیش زدن، تهمت، لجن پراکنی و سیاه نمایی نیست بلکه حرکت به سمت رفع نواقص است «انتقاد به معنای واقعی کلمه؛ یعنی مبارزه و چالش خیر و شر را نشان بدهید تا معلوم شود که اگر این نقطه‌ی زشت و مردود در جامعه هست، اما انگیزه‌های برای رفع آن وجود دارد، جریانی برای نابودی آن وجود دارد.» (خامنه ای، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲).

۱۱-۶- نمایاندن ارزش ها

نمایاندن ارزش ها یکی دیگر از اصول هنر انقلابی است. هنر به توان رسیده انقلابی نیز لاجرم می بایست با شدت و حدت بیشتری در مسیر هدفگذاری ها حرکت نماید. «اهدافی که مقدمات و ارزش های اسلامی و انقلابی را برجسته می سازد و تفکر ایرانی را پیوسته و آمیخته با تفکر اسلامی به تصویر می کشد» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۰۸/۲۹) «این بدین معنا نیست که برای برجسته نمودن ارزش ها مستقیم سراغ قرآن و توضیح المسائل برویم و آن را برای مخاطبان بسته بندی هنری بنماییم بلکه ابعاد دیگری مثل بینش، روشن بینی، نیروی باطنی، روحی و جسمی، معلومات وسیع و تزریق احساس برتری در میدانهای زندگی نیز جزء ارزش ها قلمداد می شود. پی گرفتن راه های مختلف نیز جزء دیگری از این مسیر است» راه های چندصدگانه و گاهی چندهزارگانه رسیدن به آن

هدف را در پیش رو قرار میدهند و برای هر کدام از راه‌ها حکمی میگذارند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷).

۱۱-۷- عدم خودباختگی با دیدن زیبایی‌ها

از آنجایی که هنر انقلابی بر گرفته از انقلاب و ادامه دار است، حرکت مستمر و روبه‌جلو از جمله اصول هنر انقلابی است. «حرکتی که در آن توقف و تنزل وجود ندارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴) «در چنین حرکتی است که مرعوبیت و خودباختگی پسندیده نیست و آنچه اصل قلمداد می‌شود جسارت و خط‌شکنی در مسیر اعتلای آرمان‌ها و ارزش‌های برگرفته از انقلاب است که اگر اینگونه شود هنر انقلابی «واقعاً خواهد توانست در آینده‌ی نزدیکی، فکر صحیح و تفکر انقلاب و تفکر توحیدی را بر جو این جامعه مسلط کند و آن اندیشه را عمق ببخشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱)

دیدن زیبایی‌های انقلابی، از جمله ویژگی‌های هنر انقلابی است. زیبایی‌هایی که محصور گل و بلبل نیست و گاه در خون و جهاد و گاه در ایثار و آتش، تبلور پیدا می‌کند. پرداختن به موضوعاتی مثل دفاع مقدس و یا حوادث انقلابی از جمله آنهاست. «زیبایی‌هایی که با رنج‌ها و محنت‌های ملتی همراه و پا به پای حرکت عظیمی که با فدا کردن جان‌ها و برهنه کردن سینه‌ها در برابر دشمن تا بن دندان مسلح شکل می‌گیرد، حرکت می‌کند و تا برافراشته شدن بیرق پیروزی در صحنه می‌ماند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱).

بحث و نتیجه‌گیری

مطلوبیت و حقیقت هنر زمانی است که هنر برای حیات معقول انسان باشد که علاوه بر شگفتی و زیبایی، بتواند حقیقتی را در زندگی انسانها وارد کند. هنر محصول و منعکس‌کننده درونیات و روح هنرمند است که اگر هنرمند درونی پاک و مطهر داشته باشد هنر او نیز پاک و مطهر خواهد بود.

هنر در جامعه می‌تواند ابزاری برای تصرف احساسات انسان باشد و چگونگی و میزان این تصرف را می‌توان این‌طور گفت: هنرمند در تعقل خودش احساسی دارد که با هنر بر سر آن احساس مفاهمه می‌کند. حال ممکن است این هنر شعر و رمان و نقاشی باشد هر چقدر این احساس از سنجش و محاسبه دقیق‌تری برخوردار باشد و زبان

سنجیده‌تری داشته باشد قدرت انتقال احساس بیشتر خواهد بود. هنر، آینه عقلانیت جامعه است.

هنر نه تنها پیرامون ارزش های انقلابی بلکه در ترویج ارزش های هر فرهنگ و تمدنی موثر و نقش سرنوشت سازی را به عهده دارد اما از آنجایی که هنر در ظرف انقلاب ناخودآگاه مضاعف شده و به توان می رسد آثار و اهمیتهش نیز چندان برابر می شود. این نکته زمانی اهمیت بیشتری می یابد که آن انقلاب از یک طرف اسلامی و از طرف دیگر تحت آماج تهاجمات فرهنگی باشد.

نقش آفرینی های هنر را نباید در فرهنگ منحصر کرد. بلکه شمولیت آن، تمامی عرصه ها را در بر می گیرد و به عبارتی سبک زندگی افراد را در تمام ابعاد تحت تاثیر مستقیم و غیر مستقیم قرار می دهد.

بر این اساس هنر و نقش آفرینی اش با توجه به خصلت ها و ذات هنر، در هنجارسازی ارزش ها و تولید و بازتولید آن بسیار مهم و به عبارتی نقش مرگ و زندگی برای این قبیل امور پیدا می کند ارزش های انقلابی بدون به کارگیری هنر محکوم به فنا می گردد و در مدت زمان بین نسلی تا جایی پیش می رود که نسل های بعدی نسبت به این ارزش ها احساس بیگانگی و با آن فرسنگ ها فاصله پیدا می کنند. این وضعیت تا زمانی که هنر دوشادوش ارزش ها حرکت نکند، ادامه خواهد داشت.

اصول و مبانی هنر انقلابی در تولید و بازتولید ارزش های انقلاب اسلامی با مراجعه به دیدگاه آیت الله خامنه ای به بی همتایی و منحصر به فرد بودن می رسد. جایی که هنر به عنوان عمود خیمه فرهنگ نقش آفرینی می کند و به کلید حل بسیاری از مسائل تبدیل شده و شکل گیری بسیاری از امور مهم و کلان مثل تمدن، منوط به آن می شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۷). *ایران بین دو انقلاب*. (ا، گل محمدی؛ م، فتاحی. مترجمان). تهران: نشر نی.

۳. آوینی، سیدمرتضی. (۱۳۹۰). *رستاخیز جان*. تهران: انتشارات واحه.
۴. آوینی، سید مرتضی. (۱۳۷۷). *مبانی نظری هنر*. تهران: مرکز گرد آوری آثار آوینی، انتشارات نبوی.
۵. اعوانی، غلامرضا. (۱۳۷۵). *حکمت و هنر معنوی*. تهران: انتشارات گروس.
۶. بلخاری قهری، حسن. (۱۳۸۸). *آشنایی با فلسفه هنر*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۷. جعفری، محمدمتقی. (۱۳۸۰). *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. چاپ نهم. تهران: موسسه تدوین آثار علامه جعفری.
۸. خامنه ای، سید علی. گفتگو، ۱۳۶۰/۱۱/۲۶.
۹. خامنه ای، سید علی. *بیانات*، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱.
۱۰. ----- *بیانات*، ۱۳۶۹/۱۲/۱۴.
۱۱. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۰۵/۱۴.
۱۲. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۰۶/۰۸.
۱۳. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵.
۱۴. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۰۸/۲۹.
۱۵. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۰۹/۰۴.
۱۶. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۱۰/۰۱.
۱۷. ----- *بیانات*، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷.
۱۸. ----- *بیانات*، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲.
۱۹. ----- *بیانات*، ۱۳۷۱/۰۹/۰۴.
۲۰. ----- *بیانات*، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲.
۲۱. ----- *بیانات*، ۱۳۷۳/۱۲/۲۷.
۲۲. ----- *بیانات*، ۱۳۷۷/۰۲/۲۳.
۲۳. ----- *بیانات*، ۱۳۷۸/۰۳/۰۵.
۲۴. ----- *بیانات*، ۱۳۷۸/۰۹/۲۳.
۲۵. ----- *بیانات*، ۱۳۸۰/۰۸/۰۱.

- ۲۶.-----بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱.
- ۲۷.-----بیانات، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.
- ۲۸.-----بیانات، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴.
- ۲۹.-----بیانات، ۱۳۸۵/۰۳/۲۳.
- ۳۰.-----بیانات، ۱۳۸۷/۰۶/۲۵.
- ۳۱.-----بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴.
- ۳۲.-----بیانات، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲.
- ۳۳.-----بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۰۳.
- ۳۴.-----بیانات، ۱۳۹۰/۰۳/۲۵.
- ۳۵.-----بیانات، ۱۳۹۴/۰۷/۱۳.
- ۳۶.-----بیانات، ۱۳۹۴/۱۱/۲۰.
- ۳۷.-----بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۱۴.
- ۳۸.-----بیانات، ۱۳۹۶/۱۰/۰۶.
- ۳۹.-----بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰.

۴۰. خمینی، روح الله. (۱۳۸۲). *صحیفه نور*. ج ۱۹. تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. ج ۷. چاپ سوم. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۴۲. ربیعی، هادی. (۱۳۹۰). *فلسفه هنر ابن سینا*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۳. رید، هربرت ادوارد. (۱۳۹۳). *معنی هنر*. (ن، دریا بندری. مترجم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۴۴. صبور اردو بادی، احمد. (۱۳۸۷). *اصالت در هنر و علل انحراف احساس هنرمند*. تهران: انتشارات بهمن برنا.
۴۵. صفایی فرد، محسن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر هنر انقلاب اسلامی*. قم: نشر معارف.
۴۶. علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲). *فرهنگ سیاسی*. تهران: نشر ایران.

۴۷. عمیدزنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۱). *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*. انتشارات فرهنگ اسلامی.
۴۸. عمرانی، ابوالحسن. (۱۳۹۰). *اسلام و هنرهای زیبا*. تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۹. فوکو، میشل. (۱۳۹۲). *ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟*. (ح، معصومی همدانی. مترجم). تهران: انتشارات هرمس.
۵۰. فوکو، میشل. (۱۳۹۲). *روح یک جهان بی روح و ۹ گفت و گوی دیگر*. مصاحبه گر: کلر بری یر. (س، جهان دیده. مترجم). تهران: نشر نی.
۵۱. کرباسی باف، مهدی. (۱۳۹۳). "جستاری در هنر انقلاب اسلامی." *نبرد نامه همشهری*. شماره ۱۲۲.
۵۲. معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. ج ۲. چاپ ششم. تهران: امیر کبیر.
۵۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *پیرامون انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات صدرا.
۵۴. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۹۵). *سیری در نظریه انقلاب*. تهران: نشر قومس.
۵۵. میرباقری، محمد مهدی. (۱۳۹۳). *هنر، دین، تجدد*. تهران: انتشارات تمدن نوین اسلامی.
۵۶. نامخواه، مجتبی. (۱۳۹۲). *بررسی نظریه انقلاب امام خمینی (ره) و دلالتهای آن در سیاست گذاری فرهنگی*. تهران.
۵۷. نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). *هنر و معنویت اسلامی*. (ر، قاسمیان. مترجم). تهران: انتشارات حکمت.
۵۸. واربرتن، نایجل. (۱۳۸۷). *چیستی هنر*. (م، کلانتری. مترجم). تهران: نشر نی.